

بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تعلق‌مندی نسبت به محیط زیست (مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران)

عبدالحسین کلانتری، دانشیار، گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، ایران

مسعود کیانپور، استادیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، ایران

وحید مزیدی شرف‌آبادی، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، ایران*

مجتبی لشکری، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، ایران

چکیده

احساس را می‌توان بخشی از فضای مفهومی نگرش‌های زیست محیطی دانست. احساسات زیست محیطی که دلالت‌های تعلق‌گرایانه دارند، بی‌شک تأثیری مهم بر رفتارهای همسو در قبال محیط زیست خواهند داشت. این پژوهش به بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر احساس تعلق شهروندان تهرانی نسبت به محیط زیست با استفاده از روش پیمایش و با ابزار پرسشنامه پرداخته است. روابط دو متغیره مابین ارزش‌های زیست محیطی، تجربه ارتباط با طبیعت، جامعه‌پذیری زیست محیطی و دینداری با متغیر وابسته، قابل تأیید و تعمیم هستند. رگرسیون چند متغیره حاکی از آن است که مدل نظری توانسته است ۴۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته را در میان نمونه تحقیق توضیح دهد. تحلیل مسیر متغیرهای مستقل با متغیر وابسته نیز نشان می‌دهد که متغیرهای تجربه ارتباط با طبیعت با ۰,۶۱۷ و ارزش‌های زیست محیطی با ۰,۳۴۶ درصد، به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: احساس زیست محیطی، احساس تعلق نسبت به محیط زیست، ارزش‌های زیست محیطی، تجربه ارتباط با طبیعت، جامعه‌پذیری زیست محیطی.

مقدمه و بیان مسأله

اجتماع انسانی در محیط طبیعی شکل و قوام پیدا کرده است؛ از همین روی تعامل انسان با محیط، به اندازه تعاملش با هم‌عانش اهمیت دارد و علم جامعه‌شناسی باید توجه بیشتری به این سطح از ارتباطات اجتماعی داشته باشد. از منظر جامعه‌شناختی، احساس و رفتار انسان با محیط زیست به عنوان یک حوزه جدید مطرح می‌شود. از آن جا که در اجتماعات شهری به نظر می‌رسد به نوعی ارتباط بین این دو بخش از اجتماع زیستی قطع شده و در نهایت احساس تعلق و یکی بودن با محیط زیست کمتر شده است، شناسایی پیوندهای قلمرو اجتماعی و تأثیر آن بر قلمرو طبیعی و زیستی اهمیتی غیر قابل انکار در کنترل پیامدهای منفی برای محیط زیست، انسان‌ها و نسل‌های بعدی دارد.

با توجه به محدودیت منابع تجدیدپذیر طبیعی و ضرورت همگرایی بیشتر بین انسان و زیست بوم او، توجه به مسائل زیست محیطی و فهم و پیش‌بینی متغیرها و ساز و کارهای تأثیرگذار بر این رابطه اهمیت به‌سزایی در تحقیقات عرصه‌های گوناگون داشته است چرا که اعتقاد بر این است که با شناسایی عوامل مرتبط با این ارتباط می‌توان پیامدهای منفی تعامل انسان با محیط را کمتر کرد (ادهمی و اکبرزاده، ۱۳۹۲: ۳۸).

امروزه مسائل زیست محیطی عمیقاً دارای مفاهیم اجتماعی هستند و بخش عمده‌ای از باورها و رفتارهای زیست محیطی افراد تحت تأثیر نظام‌های فرهنگی و اجتماعی، تغییر و تحول می‌یابند. رفتار انسان در قبال محیط زیست تحت تأثیر مدرنیته و فرایندهای آن به رفتاری بحران‌آفرین تبدیل شده است. در جامعه‌شناسی احساس در سطح خرد، متغیرهایی همچون جامعه‌پذیری، ارزش‌های زیست محیطی و تجربه ارتباط با طبیعت می‌توانند در تعیین کم و کیف مسائل زیست محیطی با عنایت به متغیرهای مکانیسمی بسیار (برای مثال احساس) حایز اهمیت باشند. در این میان، جامعه‌شناسی محیط زیست در ایران در آسیب‌شناسی رفتارهای انسانی در قبال موضوعات زیست محیطی بر نقش نگرش و مخصوصاً بعد شناختی آن تأکید کرده است. (Sutton, 2007). حال آن که

احساس تعلق- یکی بودن، دلبستگی و احساس آرامش نسبت به محیط زیست و خرده‌ابژه‌های آن- به عنوان بخشی از سازه نگرش می‌تواند در تعیین رفتارهای انسانی در مورد موضوعات محیط زیستی حائز اهمیت بسیار زیادی باشد (Pooley & O'Conner, 2000; Giner-Sorolla, 1999; Breckler & Wiggins, 1989). واقعیتی که بررسی آن در جامعه‌شناسی محیط زیست در ایران به صورت مستقیم هیچ‌گونه پیشینه‌ای نداشته است و در ادبیات جهانی نیز عمر کوتاهی طی دهه‌های اخیر داشته است و تمرکز مطالعات جامعه‌شناسی محیط زیست به نحو غیر مستقیم متمرکز بر سازه کلی نگرش‌های زیست محیطی و با تأکید بر بعد شناختی و ادراکی این مفهوم بوده است.

احساسات، تحت تأثیر ساختارها، ارزش‌ها، فرهنگ و تعاملات انسانی هستند و در واقع مقوله‌ای اجتماعی محسوب می‌شوند (دورکیم، ۱۳۸۳؛ Turner, 2006) که قسمتی از آن‌ها برآمده از موقعیت‌هایی اساساً اجتماعی هستند؛ در این موقعیت‌ها افراد از یک سو تحت تأثیر متعین‌های بیرونی (ساختار و فرهنگ) هستند و از سوی دیگر، احساسات متناسب را در موقعیت‌های گوناگون می‌آموزند (Turner & Stets, 2005).

از سوی دیگر نگرش، نظامی از عناصر شناختی، احساسی و تمایل به عمل نسبت به هرگونه واقعیت محیطی است (ترکان و کجباف، ۱۳۸۷: ۵۰؛ فریدمن و همکاران، ۱۹۷۰؛ به نقل از: کریمی، ۱۳۷۹: ۲۶۳؛ صفاری‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۲؛ Taylor and Peplau, 2003؛ Eagly & Chaiken, 1993)؛ عنصر عاطفی و ویژگی ارزیابی‌کنندگی در ابعاد مثبت و منفی، از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده نگرش هستند.

در تعریف احساس، توافق عامی در بین محققان وجود ندارد با این حال آن را حالتی تجسم یافته از تمایلات درونی نسبت به یک واقعیت بیرونی در نظر می‌گیرند (Woodhead & Riis, 2010؛ به نقل از عزیز آبادی، ۱۳۹۲: ۱۰). تمایلات احساسی نیز همچون تمایلات ارزشی در ارتباط با چیزی معنی می‌یابند. فرد نمی‌تواند یک احساس را بدون در ارتباط بودن آن با

Heberlein, Heberlein & Wisconsin, 1972; Budak, 2005; Grob, 1999; Flam, 2006; Milfont & Duckit, 2004; 2012; Salehi, 2009; Lasso De Lavega, 2004; 1995; عبدالهی، ۱۳۹۰)

از جمله تحقیقاتی که به بعد احساسی نگرش‌های زیست محیطی پرداخته‌اند عبارتند از: تحقیقات انجام شده با مقیاس‌های رایج^۱ که توسط دانلپ و ون لایر در سال ۱۹۷۸ برای بررسی و اندازه‌گیری نگرش عمومی نسبت به محیط زیست و طبیعت طراحی شده‌اند (Dunlap & Van Liere, 1978). در این تحقیقات به بعد احساسی نگرش‌های زیست محیطی هم پرداخته شده است، با این حال تفکیک و تشریح نظری این بعد از نگرش در مورد محیط زیست بسیار محدود است و عمدتاً در بحث سنجش به آن توجه محدودی شده است.

بررسی دانیل ویالابلس^۲ (2013) با عنوان «سنجش ارتباط احساسی با طبیعت در بین کودکان» نشان داده است که میزان ارتباط احساسی فرد با طبیعت، بر تعلق او نسبت به محیط زیست تأثیر می‌نهد. او در تحقیق خود مقیاسی برای سنجش ارتباط احساسی با طبیعت در بین کودکان ایجاد می‌کند و تأثیر آن را بر رفتارهای حامی محیط زیست بررسی می‌کند.

مطالعه هیندس و اسپارک^۳ (2007) تأکید می‌کند که هرچه میزان تعلق احساسی فرد نسبت به محیط زیست بیشتر باشد، مشارکت و نیت به مشارکت در محیط زیست در قالب رفتارهای مسؤولانه‌تر بیشتر است. این مطالعه همچنین یافته‌های کالس و همکاران^۴ (1999) را درباره اهمیت تعلق احساسی در مسائل زیست محیطی را تأیید می‌کند.

بررسی دیگری که توسط پولی و اوکندر^۵ (2000) انجام شده است نیز نشان می‌دهد که باورها و احساسات، هر دو تشکیل‌دهنده مفهوم دیدگاه‌های زیست محیطی هستند. این مطالعه تأکید می‌کند که تعامل تعلق احساسی و باورها و

چیزی دیگر، تجربه کند (Villalobos, 2013: 16). در رابطه با محیط زیست - به معنی محیط طبیعی‌ای که ساخته دست انسان نیست همچون کوه، هوا جنگل و... می‌توان احساس را به عنوان متغیری اساسی در تعیین نوع تعاملات انسان و محیط زیست دانست (بلوم، ۲۰۰۷؛ به نقل از: طالبی صومعه سرایی، ۱۳۹۲).

از آن جا که بخش عمده‌ای از عوامل مؤثر بر احساسات و مخصوصاً مورد اطلاق آن در این تحقیق - یعنی محیط زیست - ماهیتی اجتماعی دارند، از همین روی در این پژوهش به تمایلات احساسی نسبت به محیط زیست در بین شهروندان تهرانی که دارای دلالت‌های تعلق‌گرایانه (احساسات مربوط به دل‌بستگی، آرامش و یکی بودن نسبت به محیط زیست و مسائل مرتبط با آن) هستند پرداخته شده است. هدف اصلی این پژوهش شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس وظیفه‌گرایی نسبت به محیط زیست در بین شهروندان تهرانی و ارائه رویکردی نظری برای تحقیقات آتی است.

مروری بر پژوهش‌ها

مرور تحقیقات مرتبط با احساس و محیط زیست نشان می‌دهد که در ایران هیچ‌گونه تحقیق کاملاً مرتبط و مستقیمی که احساس تعلق در قبال محیط زیست را بررسی کرده باشد، وجود ندارد و در تحقیقات خارجی نیز احساس تعلق کاملاً به نحو ضمنی در ذیل احساسات زیست محیطی بررسی شده است.

همچنین احساس با رویکردی جامعه‌شناسانه در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است (رک. کیانپور و ربانی خوراسگانی، ۱۳۸۸؛ رفیع‌پور، ۱۳۷۵؛ قاضی مرادی، ۱۳۸۷). در رابطه با احساسات زیست محیطی هیچ اثری در این حوزه در ایران انجام نشده است و عموم مطالعات و بررسی‌های انجام شده داخلی و خارجی به بررسی نگرش‌های زیست محیطی و تمرکز بر ابعاد شناختی و ادراک افراد نسبت به فرایندهای زیست محیطی پرداخته‌اند. (رجوع شود به: Kaiser & et al.,

^۱ همچون NEP

^۲ Villalobos

^۳ Hinds and Sparks

^۴ Kals and Colleagues

^۵ Pooley and O'Coner

انرژی احساسی و منابع فرهنگی تأکید می‌شود. در رهیافت ترکیبی جاناتان ترنر نیز، رهیافت ساختمندی اجتماعی و اثبات‌گرایی به صورت توأمان مورد توجه قرار گرفته است (Levy, 1973؛ به نقل از کیانپور، ۱۳۸۵: ۲۲؛ Von Scheve & Von Lynn and Piotr, 2010; Powel, 2008: 396; Luede, 2005; Kemper, 1978)

بررسی رهیافت‌ها و نظریات جامعه‌شناسی احساس نشان‌دهنده این واقعیت است که احساس نسبت به یک واقعیت غیر انسانی (همچون محیط زیست) در جامعه‌شناسی احساسات نظریه‌پردازی نشده است. در واقع تمامی این نظریات، هر یک به نحوی بر مفهوم خود، کنش متقابل و عوامل ساختاری و فرهنگی مرتبط با آن‌ها در احساسات برآمده از تعاملات انسانی می‌پردازند. حال آن که این پژوهش در بررسی احساسات نسبت به محیط زیست و تبیین آن از رویکرد اثبات‌گرایانه با تأکید بر وجه الزامات فرهنگی و ارزشی و همچنین ساخت‌مندی اجتماعی استفاده شده است و به همین دلیل از متغیرهای سطح کلان ساختاری در بررسی سؤال پژوهش اجتناب شده است. همان‌گونه که در ادامه ملاحظه می‌شود متغیرهای دینداری و ارزش‌های زیست‌محیطی، وجه الزامات فرهنگی و ارزشی رویکرد اثبات‌گرایانه، متغیر جامعه‌پذیری زیست‌محیطی بر وجه تعاملات انسانی در رویکرد ساخت‌مندی اجتماعی و متغیر زمینه‌ای تجربه ارتباط با طبیعت بر یادگیری احساس دلبستگی و تعلق‌مندی نسبت به محیط زیست و مسائل مرتبط با آن از طریق تجربه مکانی تأکید می‌کنند.

از جمله نظریه‌پردازان اجتماعی که می‌توان از دیدگاه‌های اجتماعی آن‌ها در این پژوهش استفاده شود دورکیم، پارسونز و وبر هستند. دورکیم در تقسیم‌بندی جوامع به مکانیک و ارگانیک، تفاوت‌های احساسات و تمایزات اجتماعی این دو قسم را بر می‌شمارد (کوزر، ۱۳۷۹: ۱۹۶) و آن‌چه را بین مردم مرسوم است با عنوان حالت طبیعی یا هنجار معرفی می‌نماید. (بودن، ۱۳۸۵: ۷۸۱) دورکیم معتقد است شهوات بشر فقط در برابر یک نیروی اخلاقی باز می‌ایستند (آرون، ۱۳۷۷: ۳۵۹) و از

عقاید نسبت به محیط زیست می‌تواند در تعیین و پیش‌بینی باورها و عقاید مرتبط با محیط زیست مؤثر و مهم باشد.

شولتز و همکاران^۱ (2004) در مقاله خود اشاره می‌کنند اگرچه تحقیقات پیشین به دیدگاه‌های زیست‌محیطی و میزان باور فرد به این که بخشی از محیط طبیعی است در قالب دغدغه‌های خودمدارانه و یا دغدغه‌های زیست‌بوم‌گرایانه توجه کرده‌اند اما نوع دغدغه‌های فرد نسبت به مسائل زیست‌محیطی در ارتباط با این است که فرد تا چه حد خود را بخشی از محیط طبیعی و جزئی از آن و یا به عبارتی متعلق به آن می‌داند.

چارچوب نظری

از آن جا که موضوع این پژوهش پیوندی بین رشته‌ای بین جامعه‌شناسی احساس و نیز جامعه‌شناسی محیط زیست را ایجاد می‌کند، در تدوین چارچوب نظری به این دو حوزه رجوع کردیم، بدین صورت که مباحث نظری در جامعه‌شناسی احساس می‌کند، رهیافتی عام را برای گزینش مباحث نظری در جامعه‌شناسی محیط زیست فراهم نمود. با مرور ادبیات نظری ملاحظه می‌شود که احساسات به عنوان پیوندی حیاتی بین سطوح خرد و کلان واقعیت اجتماعی تلقی می‌شود (Turner & Stets, 2005). در مجموع، رهیافت‌های اثبات‌گرایی، ساخت‌مندی اجتماعی و ترکیبی سه رهیافت عام در جامعه‌شناسی احساسات تلقی می‌شوند. در رهیافت ساخت‌مندی اجتماعی که از دو نظریه کنش متقابل نمادین و نظریه هنجاری تشکیل شده است، تأکید بر عوامل فرهنگی و اجتماعی است. به طور جزئی‌تر، در نظریه کنش متقابل نمادین، تعریف و تفسیر موقعیت از جانب کنشگر مطرح است و در نظریه هنجاری، هنجارها و قواعد فرهنگی-اجتماعی در شکل‌گیری و بروز و نمود احساسات مدنظر هستند. در حالی که رهیافت اثبات‌گرایی از دو نظریه ساختاری و تضاد تشکیل می‌شود؛ در نظریه ساختاری به ساختار اجتماعی و روابط مبتنی بر قدرت و در نظریه تضاد به

¹ Schultz et al.

ادیان با نگاهی اخلاقی، گذشتن از نفع فردی را به پیروان خود توصیه می‌کنند. به بیان دیگر، یکی از مسائل اساسی در دوراهی اجتماعی، گذشتن از نفع فردی آنی برای کسب نفع فردی بلند مدت و همچنین جستجوی نفع جمعی است. از این منظر، زمانی که نفع بلند مدت به آینده‌ای بلند مدت (گاهی بعد از مرگ) باز می‌گردد، مذهب می‌تواند به کار آید. (دورکیم، ۱۳۸۳) دین و حاکم بودن ارزش‌های دینی در جامعه می‌تواند از طریق تأثیرگذاری ارزش‌های دیگرخواهانه و تقویت آن، به احساسات مثبت‌تر نسبت به محیط زیست منجر شود. از این روی، اخلاق برآمده از باورهای دینی باید نوع رفتار انسان با طبیعت را در هر زمان مشخص کند (De paula Cavalcant, 2000; & تومه، ۱۳۸۰: ۱۳) در ایران که دین یا ایدئولوژی اسلامی یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است و نقش محوری در جامعه دارد، آموزه‌های اسلام نقش بسیار ویژه‌ای در شکل‌دهی به نگرش‌های افراد ایفا می‌کند (آزاد ارمکی، ۱۳۹۱).

همان‌گونه که اشاره شد در رویکرد ساخت‌مندی اجتماعی، احساسات تحت تأثیر تعاملات اجتماعی افراد و در قالب یک زمینه و بستر اجتماعی و تحت تأثیر فرهنگ و دیگر عناصر اجتماعی هستند (Turner & Stets, 2005; Powel, 2008: 395). در بحث از تأثیر تعاملات اجتماعی بر احساسات، جامعه‌پذیری به معنی فرایند کسب آموزش‌های محیط زیستی از گروه‌ها و نهادهای مرجع همچون خانواده، مدرسه و گروه همالان از متغیرهای بسیار مهم، چه در حیطه جامعه‌شناسی احساس (Turner & Stets, 2005) و چه در حیطه جامعه‌شناسی محیط زیست است چرا که برای اکثر جامعه‌شناسان، احساسات بر ساخته‌هایی اجتماعی هستند که تحت تأثیر فرایند جامعه‌پذیری، درونی و ابراز می‌شوند. در واقع رویه‌های جامعه‌پذیری به افراد می‌آموزند که چه نوع احساساتی را در برخورد با واقعیت‌های اجتماعی بروز دهند (Dunsmore & Halberstadt, 2008; Salehi, 2009; Kollmus & Agyeman, 2002). برای مثال، هوقشیلد^۱ (1983) معتقد است

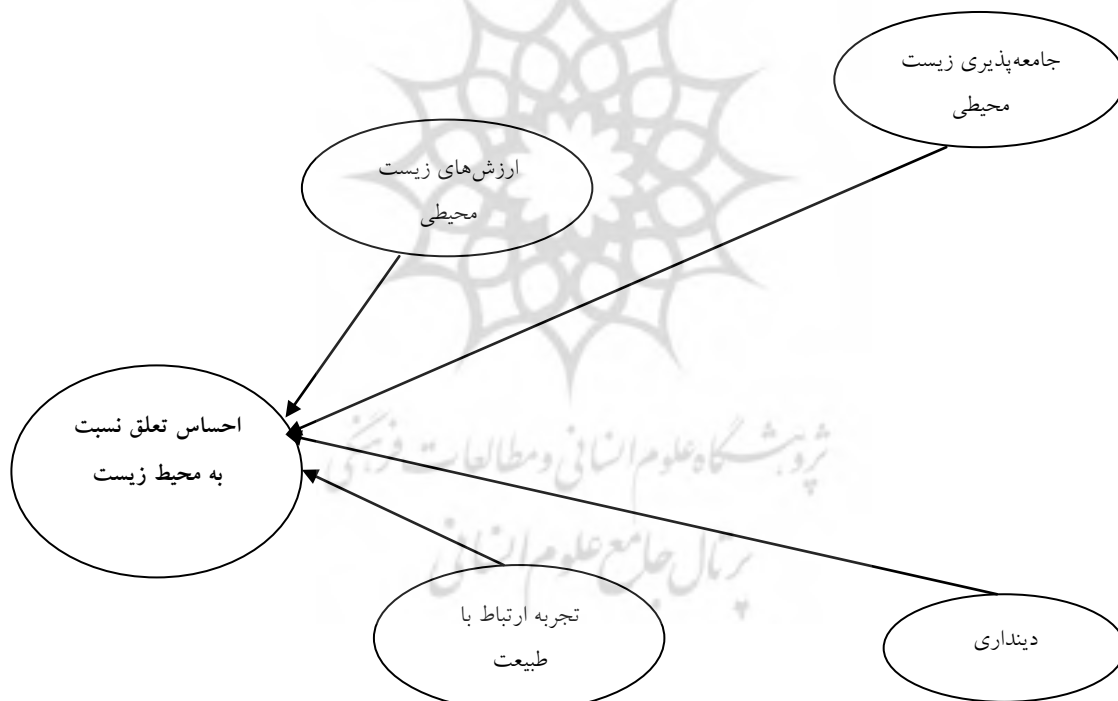
همین روی است که ضرورت اصلاحات اخلاقی و ارزشی برای دورکیم موضوعیتی جدی داشته است. پارسونز نیز فرهنگ را نیروی عمده‌ای می‌دانست که پیونددهنده عناصر نظام اجتماعی است. به عقیده او هنجارها و ارزش‌ها در گزینش وسایل دستیابی به هدف‌ها نقش بازی می‌کنند و کنش چیزی جز تلاش برای تطبیق با هنجارها نیست. (ریترز، ۱۳۷۴: ۱۳۹) و بر نیز دین را به مثابه بعدی محوری از فرهنگ در نظر می‌گیرد و بر محتوای ذهنی نظام‌های تجربه ایمان و اعتقاد تأکید می‌کند (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۱۰۰)

در کاربست نظریات و دیدگاه‌های نظری فوق باید توجه کرد که در بحث از اخلاق زیست محیطی، همواره به نقش ارزش‌های زیست محیطی و منابعی همچون دین که مطرح‌کننده این ارزش‌ها هستند به عنوان عاملی تعیین‌کننده بر رفتارهای زیست محیطی و مکانیسم‌های واسط آن همچون احساس و ادراک و به‌طور کلی نگرش تأکید می‌شود. واقعیت این است که از ریشه‌های تاریخی بحران‌های زیست محیطی، دیدگاه‌های مذهبی و اخلاقی انسان‌ها یعنی ارزش‌ها و بایدها و نبایدها در مورد آن‌ها کمتر سخنی به میان می‌آید. اخلاق به معنی ارزش‌ها و منابع ارزشی همچون دین، عمدتاً به تعریف روابط بین افراد و روابط بین افراد و جامعه پرداخته‌اند و اخلاقی که رابطه انسان و زمین یا انسان و محیط زیست را بررسی کند وجود نداشته است، بنابراین گسترش دامنه ارزش‌ها به قلمرو رابطه انسان و محیط زیست، یک ضرورت زیست محیطی پنداشته می‌شود که به عنوان نظامی از باورها و گرایش‌ها تعیین‌کننده رفتارهای حفاظتی یا چارچوب‌های مرجعی است که در تعامل با محیط زیست از آن‌ها استفاده می‌شود (Sesin, 2003). به نقل از: عابدی سروستانی و همکاران، ۱۳۸۶؛ Holden, 2003) در واقع بهبود احساس تعلق‌مندی و از طریق آن بهبود رفتارهای زیست محیطی زمانی حاصل خواهد شد که محیط طبیعی و فرهنگی انسان مرتبط با یکدیگر و همدلانه‌تر باشند (ازدری، ۱۳۸۲؛ ادهمی و اکبرزاده، ۱۳۹۲؛ Mayer & Bar & et al. 2003; et al.; 2004: 503 به نقل از: طالبی صومعه سرای، ۱۳۹۲).

¹ Hochschild

از سوی دیگر، تجارب دوران کودکی در محیط‌های باز و تماس مستقیم با طبیعت در طول دوران زندگی از جمله عوامل تعلق بیشتر به محیط زیست تلقی می‌شود (میلتون، ۱۳۸۲: ۱۱۴). تجربه فرد از مکان (طبیعت)، بر نوع نگرش‌ها و احساسات او تأثیرگذار است. در واقع محیط زیست و تجربه رابطه ما با آن می‌تواند بخش مهمی از خودپنداره ما و به تبع آن، شکل‌دهنده واکنش‌های احساسی ما نسبت به محیط زیست باشد و این موضوع به شدت تحت تأثیر تجربیات مکانی ما با طبیعت است. (کلاپتون و مایرز، ۱۳۹۰؛ Chawla, Pooley and Mayer, 2004; Proshansky, 1978 ; 1992; Schultz, 2002; Schultz, et al., 2004:31; O'Gner, 2000; (Nisbe, et al., 2010 Ryan & Deci, 2000;

نحوه جامعه‌پذیری افراد در طبقه متوسط به مراتب متفاوت از طبقه کارگر است، چرا که در طبقه متوسط، احساسات و عواطف نسبت به طبقه کارگر، بیشتر از سوی والدین کنترل و مدیریت می‌شوند، اگرچه هوشیلا عمدتاً بحث از فرایندهای کالاشدگی احساسات دارد اما نظریه او در بحث از تفاوت‌های طبقاتی و فرایندهای جامعه‌پذیری در این پژوهش نیز حایز اهمیت است. همچنین رفیع‌پور (۱۳۷۵) معتقد است که عوامل تربیتی و فرهنگی در مراحل اجتماعی شدن در پرورش نوع احساسات مؤثر به نظر می‌رسند چرا که بسیاری از خصیصه‌های فرهنگی ایرانیان همچون گریه در مراسم ختم و نوازش بیش از حد کودک در هنگام زمین خوردن، ریشه در نحوه جامعه‌پذیری افراد دارند.



شکل ۱- دیاگرام مدل نظری تحقیق

۳. بین ارزش‌های زیست محیطی و احساس تعلق نسبت به محیط زیست رابطه وجود دارد.
 ۴. تجربه ارتباط با طبیعت در ارتباط با احساس تعلق نسبت به محیط زیست است.

فرضیات تحقیق

۱. بین جامعه‌پذیری زیست محیطی و احساس تعلق نسبت به محیط زیست رابطه وجود دارد.
 ۲. دینداری در ارتباط با احساس تعلق نسبت به محیط زیست است.

تعریف مفاهیم

احساس تعلق‌مندی نسبت به محیط زیست: منظور از این متغیر این است که فرد تا چه حد تصور می‌کند که جزئی از محیط زیست است و نسبت به آن عشق و توجه نشان می‌دهد. پارکینس^۳ (2010؛ به نقل از Villalobos, 2013) تعلق و احساس به محیط زیست را به معنی احساس عمیق عشق و مراقبت و توجه به طبیعت تعریف کرده است. از سوی دیگر احساس تعلق نسبت به محیط زیست بیانگر این واقعیت است که چقدر افراد احساس می‌کنند که محیط زیست متعلق به آن‌ها بوده است و تا چه حد رفاه خود را در حفاظت از آن می‌بینند (Mayer, et al.; 2004: 505). در مجموع این بعد از احساسات، شامل احساس آرامش، راحتی و لذت نسبت به محیط زیست است. سنجه مربوط به این متغیر که در جدول ۲ قابل ملاحظه است با اقتباس از سنجه‌های پارکینس و میر^۴ تهیه شده است.

۵. بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و احساس تعلق نسبت به محیط زیست ارتباط وجود دارد.

روش‌شناسی

استراتژی این پژوهش به صورت قیاسی، رویکرد آن به صورت توصیفی و تحلیلی و روش تحقیق آن نیز پیمایش مقطعی است. ابزار پژوهش، پرسشنامه است که ترکیبی از سنجه‌ها و متغیرهای محقق ساخته و نیز اقتباس شده از دیگران است که در طیف لیکرت سنجیده شده‌اند. جامعه آماری، کلیه مردان و زنان بالغ (بالای ۱۸ سال) شهر تهران هستند که بر اساس سالنامه آماری ۱۳۹۲، ۶۲۶۰۷۷۰ نفر می‌باشند. با استفاده ترکیبی از تکنیک نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای^۱ و خوشه‌ای و با استفاده از فرمول کوکران ۴۰۳ نفر پاسخگو انتخاب شدند. بر اساس این روش، در ابتدا براساس نقشه مناطق شهر تهران به تفکیک میزان سطح کیفیت زندگی گزارش شده در شهرداری تهران^۲، مناطق تهران بر اساس ویژگی‌های جغرافیایی و سطح کیفیت زندگی به پنج طبقه شمالی، جنوبی، شرقی، غربی و مرکزی تقسیم شدند سپس در هر یک از این طبقات، سه محله به صورت تصادفی انتخاب شدند (یعنی در مجموع ۱۵ محله از شهر تهران) و در نهایت در هر محله، انتخاب بلوک، کوچه‌ها و نهایتاً منازل به صورت خوشه‌ای چند مرحله و تصادفی صورت پذیرفته است.

همان‌گونه که در جدول ۱ ملاحظه می‌گردد، پایایی ابزار تحقیق در آزمون مقدماتی واریسی و مقادیر آلفا محاسبه گردید و اعتبار ابزار سنجش نیز بر اساس روش توافق داوران تأیید شد. پس از گردآوری اطلاعات، پاسخ‌ها کدگذاری شد و با استفاده از نرم‌افزار spss برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌هایی نظیر تست f، تست t، تحلیل واریانس، ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر استفاده شد.

³ Parkins

⁴ Mayer

¹ Random stratified sampling

² <http://www.tehran.ir/Default.aspx?tabid=40>

جدول ۱- ضرایب آلفای کرونباخ در آزمون مقدماتی

متغیر های سازه‌ای	تعداد	آماره	متغیرهای سازه‌ای	تعداد	آماره
گویه	آلفا	گویه	آلفا	گویه	آلفا
جامعه‌پذیری زیست محیطی	۹	۰,۵۹۴	تجربه ارتباط با طبیعت	۸	۰,۷۷۷
ارزش‌های زیست محیطی	۶	۰,۷۴۱	دینداری	۲۹	۰,۷۹۰
			احساس تعلق به محیط زیست	۸	۰,۷۳۰

جدول ۲- گویه‌های شاخص متغیر وابسته

۱	از بودن در طبیعت لذت می‌برم.
۲	عشق و علاقه زیادی به طبیعت احساس می‌کنم.
۳	از آموختن در مورد طبیعت و پیچیدگی‌های آن لذت می‌برم.
۴	اغلب احساس جدانشدگی از محیط طبیعی می‌کنم.
۵	وقتی در طبیعت هستم، آرام‌ترم و احساس می‌کنم همانند خانه خودم آرامش دارم.
۶	در طبیعت بیشتر احساس آزادی می‌کنم.
۷	همان‌قدر که یک درخت با محیط جنگل معنی می‌یابد، من هم خودم را بخشی از محیط طبیعی اطرافم می‌دانم.
۸	اغلب احساس یکی بودن با محیط طبیعی اطراف خود را دارم.

ارتباط با طبیعت: هویت‌ها در زمان‌ها، مکان‌ها و موقعیت‌های مختلف، تفاوت می‌یابند. محیطی که در آن قرار داریم، بر نحوه ادراک و احساس ما تأثیر می‌گذارد (کلاینتون و مایرز، ۱۳۹۰). سازه ارتباط با طبیعت با اقتباس بخشی از سنجه عبدالهی (۱۳۹۰) سنجه شده است.

یافته‌های توصیفی

۵۳ درصد (۲۱۳ نفر) از پاسخگویان مرد و ۴۷ درصد (۱۸۹ نفر) زن بوده‌اند. در مجموع، ۷,۷ درصد از آن‌ها زیر بیست و یک سال، ۴۰,۲ درصد بین ۲۱ تا ۳۵ سال، ۲۰ درصد بین ۳۶ تا ۴۵ و ۲۳,۳ درصد در گروه سنی ۴۶ تا ۶۰ سال و در نهایت ۸,۹ درصد نیز بالای ۶۰ سال سن داشته‌اند. ۸۸,۱ درصد از پاسخگویان متولد شهر و تنها ۱۰,۴ درصد از آن‌ها متولد روستا هستند. به لحاظ توزیع تحصیلات، بیش از دو سوم پاسخگویان (۷۶٪) دارای تحصیلات دیپلم یا لیسانس، ۱۴,۵ درصد دارای تحصیلات پایین‌تر از دیپلم، ۷,۳ درصد دارای تحصیلات فوق لیسانس و همچنین ۱,۸ درصد نیز دارای

ارزش‌های زیست محیطی: معیارهای مشترک فرهنگی که بر اساس آن ربط اخلاقی و زیبایی شناختی موضوعات، نگرش‌ها، آرزوها و نیازها را از جمله درباره محیط طبیعی می‌توان با هم مقایسه کرد و به داورری قرار گذاشت (زاهدی، ۱۳۸۶؛ ۴۸؛ Bar, et al. 2003). در سنجه ارزش‌های زیست محیطی از سازه صالحی و امامقلی (۱۳۹۱) استفاده شد.

دینداری: به طور کلی دینداری یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد (نواح و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۰) این متغیر بر اساس الگوی شجاعی‌زند در چهار بعد اعتقادات، عبادیات، اخلاقیات و شریعات سنجه شده است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۲۶-۳۵).

جامعه‌پذیری زیست محیطی: رویه‌های جامعه‌پذیری به افراد می‌آموزند که چه نوع احساساتی را در برخورد با واقعیت‌های زیست محیطی بروز دهند (Turner & Stets, 2005). سازه جامعه‌پذیری زیست محیطی در سه بعد محیط خانواده، گروه دوستان و محیط محله سنجه شده است.

تحصیلات دکتری بوده‌اند.

بعد سنجیده شده است نشان می‌دهد. میانگین بعد اعتقادی دینداری در بین شهروندان تهرانی بین ۸۹,۹ تا ۹۳,۱ قرار دارد که در سطح بسیار بالایی است ولی میانگین بعد عبادی در بین آن‌ها بین ۵۶,۸ تا ۶۰,۹ قرار داشته است که به نسبت سایر ابعاد در حد پایین‌تری قرار دارد. پارامتر میانگین بعد اخلاقی نیز در بین شهروندان بین ۷۲,۶ تا ۷۵,۴ از صد قرار داشته و در نهایت میانگین بعد شرعی نیز بین ۶۷,۵ تا ۷۰,۹ قرار داشته است. میانگین شاخص دینداری نیز بین ۷۲,۱ تا ۷۴,۸ قرار دارد که میزان دینداری نسبتاً بالایی را نشان می‌دهد.

یافته‌های تحلیلی

در بررسی‌های مختلف مشخص شده است که ویژگی‌های جمعیت‌شناختی بر رفتارهای زیست محیطی تأثیرگذار است و از آن‌جا که رفتار در دامنه‌ای از مکانیسم‌های واسط حادث می‌شود بنابراین می‌توان انتظار داشت که این دست از متغیرها بر احساسات نسبت به محیط زیست نیز به عنوان بخشی از نگرش‌های زیست محیطی تأثیرگذار باشند. جنس، سطح تحصیلات، محل تولد و طبقه اجتماعی از این جمله هستند.

بررسی آزمون مقایسه میانگین‌های جنس با متغیر وابسته نشان می‌دهد که این رابطه معنی‌دار نیست و مردان و زنان درباره این احساس تفاوت معنی‌داری نداشته و به یک میزان به محیط زیست احساس تعلق دارند. درباره طبقه سنی نیز مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که هرچند افراد زیر ۲۱ سال احساس تعلق نسبت به محیط زیست کمتری نسبت به گروه‌های سنی بالاتر داشته‌اند اما این تفاوت معنادار و قابل تعمیم به جمعیت تحقیق نیست.

از سوی دیگر نتایج آزمون لوین در مورد مقایسه میانگین متغیر وابسته در طبقات متغیر محل تولد نشان می‌دهد که با وجود احساس تعلق بیشتر نسبت به محیط زیست در بین متولدان روستا، این تفاوت‌ها تصادفی بوده است. مابین تحصیلات و پایگاه اقتصادی-اجتماعی با متغیر وابسته نیز، مقایسه میانگین‌ها رابطه معنی‌داری را نشان نمی‌دهد.

همچنین متغیر سازه‌ای پایگاه اقتصادی اجتماعی که به وسیله سنجه‌های استاندارد شده میزان تحصیلات، منزلت شغلی فرد یا سرپرست خانواده، میزان درآمد ماهیانه خانواده و مالکیت و قیمت خودروی شخصی (با اقتباس از طالی صومعه سرایی، ۱۳۹۲) و در طیف صفر تا صد اندازه‌گیری شده است، دارای میانگین بین ۲۱,۵۲ تا ۲۴,۸۱ است. بیش از ۸۶ درصد افراد نسبت به بقیه موارد در سطح متوسط رو به پایین قرار گرفته‌اند؛ ۴۶,۸ درصد از پاسخگویان در طبقه پایین‌ترین، ۴۱,۱ درصد در طبقه پایین، ۸,۵ درصد در طبقه متوسط، ۲ درصد در طبقه بالا و تنها ۰,۸ درصد در طبقه بالای بالا قرار دارند که نشان از واریانس زیاد نمونه مورد بررسی و همچنین فاصله طبقاتی شدید دارد.

میانگین شاخص احساس تعلق در بین شهروندان تهرانی در مقیاس صفر تا صد برابر با ۳۱,۳ تا ۶۵,۶ بوده است، به نحوی که تنها ۲۵ درصد از افراد، احساس تعلق کمتر از ۵۰ درصد را اظهار داشته‌اند بنابراین احساس وظیفه‌گرایی اکثریت نمونه تحقیق متوسط و زیاد بوده است. میانگین جامعه‌پذیری زیست محیطی متأثر از خانواده نیز در بین شهروندان تهرانی در مقیاس صفر تا صد بین ۶۸,۶ تا ۷۱,۶ بوده است؛ در رابطه با گروه مرجع دوستان، این پارامتر بین ۴۹,۷ تا ۵۲,۴ و در رابطه با گروه مرجع همسایگان بین ۴۲,۵ تا ۴۶,۵ قرار دارد. میانگین این سه بعد نیز با عنوان شاخص جامعه‌پذیری زیست محیطی بین ۵۴,۲ تا ۵۶,۴ در سطح متوسطی قرار داشته است. میانگین ارزش‌های زیست محیطی نیز در مقیاس صفر تا صد بین ۸۱ تا ۸۴,۵ بوده است. درباره متغیر تجربه ارتباط با طبیعت، ارتباط ۳۱ درصد افراد با محیط زیست در حد متوسط بوده و ۵۲,۹ درصد افراد نیز با شدت بالایی با محیط زیست در ارتباط هستند و در نهایت ارتباط ۱۵,۶ درصد افراد با محیط زیست در سطح بسیار بالایی قرار داشته است. به این ترتیب ۷۵ درصد افراد میزان ارتباطشان با طبیعت را بالای ۵۸ از صد ارزیابی کرده‌اند.

همچنین متغیر مستقل دینداری در این تحقیق که با چهار

نسبت به محیط زیست در مورد بعد خانواده برابر با ۲۱۵٪، بعد دوستان برابر با ۱۵۹٪ و بعد محله برابر با ۱۳۰٪ بوده است.

در نهایت درباره ارتباط متغیر دینداری با متغیر وابسته، این فرض با شدت ۰,۲۱۹ و با اطمینان ۹۹٪ رد می‌شود و با توجه به جهت مثبت روابط، با افزایش میزان دینداری در بین شهروندان تهرانی بر شدت احساس تعلق نسبت به محیط زیست افزوده می‌شود، هرچند که شدت این رابطه اندک است. شدت این رابطه در میان ابعاد متغیر دینداری با متغیر وابسته درباره بعد اعتقادی برابر با ۱۳۴٪، در مورد بعد عبادی ۰,۰۹۲٪، در مورد بعد اخلاقی ۳۲۱٪ و مورد بعد شرعی برابر با ۱۱۴٪ بوده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود تأثیر دینداری بر متغیر وابسته بیشتر ناشی از رابطه بعد اخلاقی است. مقادیر به دست آمده در آزمون‌های دو متغیره مابین متغیرهای اصلی تحقیق با متغیر وابسته در جدول ۳ خلاصه شده‌اند:

جدول ۳- ضرایب آزمون‌های متغیرهای اصلی و متغیر وابسته پژوهش

متغیر مستقل	متغیر وابسته	شدت همبستگی	مقدار معنی‌داری
ارزش‌های زیست محیطی		۳۹۶	۰۰۰
تجربه ارتباط با طبیعت		۶۷۵	۰۰۰
جامعه‌پذیری زیست محیطی	احساس تعلق نسبت به محیط زیست	۲۴۳	۰۰۰
دینداری		۲۱۹	۰۰۰

مانده و تأثیر خالص آن‌ها بر احساس تعلق به محیط زیست معنادار شده است. به این ترتیب با کنترل سایر متغیرها، تنها دو متغیر اصلی تجربه ارتباط با طبیعت و جامعه‌پذیری زیست محیطی می‌توانند در بین شهروندان تهرانی، شدت احساس تعلق به محیط زیست را پیش‌بینی کنند. عدم معناداری تأثیر خالص ارزش‌های زیست محیطی، با وجود شدت رابطه بالای آن با متغیر وابسته در مرتبه صفر، نشان می‌دهد که تأثیر آن در واقع به صورت غیرمستقیم بوده است. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده به این تحلیل در نهایت بیش از ۴۸٪ تغییرات متغیر وابسته را بین شهروندان تهرانی، پیش‌بینی می‌کنند. معادله نهایی پیش‌بینی

در ارتباط با متغیرهای اصلی مدل نظری، بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که فرضیه ارتباط بین ارزش‌های زیست محیطی و متغیر وابسته با شدت ۰,۳۹۶ و با اطمینان ۹۹٪ قابل تأیید و تعمیم است، به نحوی که با افزایش ارزش‌های زیست محیطی، احساس تعلق نسبت به محیط زیست نیز افزایش می‌یابد. همچنین فرضیه وجود ارتباط بین تجربه ارتباط با طبیعت و احساس تعلق نسبت به محیط زیست با شدت ۰,۶۷۵ و در سطح ۰,۰۰۰ و با اطمینان ۹۹٪ رد شده است. در واقع افزایش در تجربه ارتباط با طبیعت به افزایش احساس تعلق در بین شهروندان تهرانی منجر شده است.

فرضیه وجود رابطه بین جامعه‌پذیری زیست محیطی و متغیر وابسته با شدت ۰,۲۴۳ و اطمینان ۹۹٪ تأیید شده است. در واقع با افزایش جامعه‌پذیری زیست محیطی در تمامی ابعاد آن، میزان احساس تعلق نسبت به محیط زیست نیز افزایش یافته است. بررسی جزئی ابعاد این متغیر با احساس تعلق

بر اساس نتایج به دست آمده از ورود همزمان چهار متغیر مستقل اصلی به رگرسیون، تأثیر خالص متغیر دینداری با مقدار بتای ۰,۰۷۵ و همچنین متغیر ارزش‌های زیست محیطی با مقدار بتای ۰,۰۵۱، از نظر آماری معنادار نبوده است و از معادله خارج می‌شوند. البته باید ذکر کرد که با توجه به روابط مرتبه صفر آن‌ها، این متغیرها به صورت غیر مستقیم بر احساس تعلق تأثیر گذاشته‌اند. همچنین باید ذکر کرد که واریانس بسیار پایین متغیر ارزش‌های زیست محیطی در عدم معناداری آن نقش داشته است. در حالی که متغیر مکانیزمی تجربه ارتباط با طبیعت با مقدار بتای ۰,۶۱۷ و متغیر جامعه‌پذیری زیست محیطی با مقدار بتای ۰,۱۵۴، در معادله

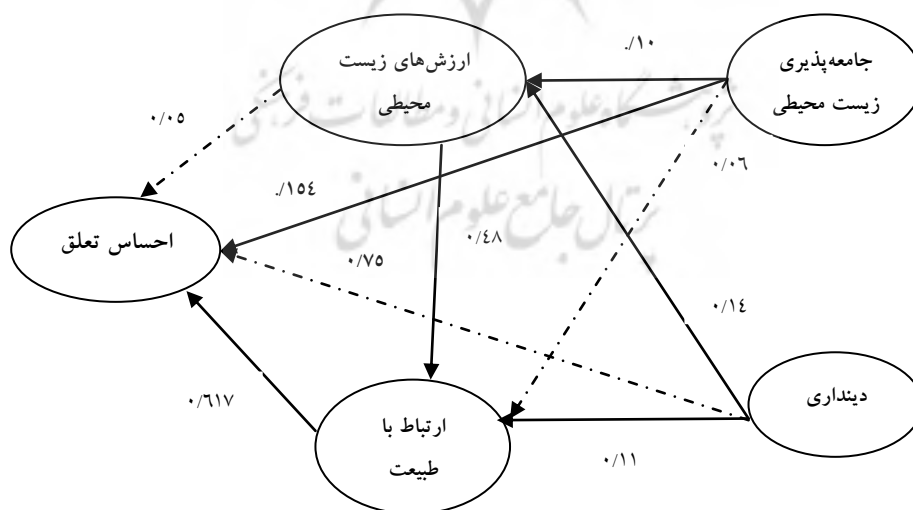
مقدار احساس تعلق به محیط زیست، به صورت استاندارد
 برابر است با: $(0,154) +$ جامعه‌پذیری زیست محیطی.
 احساس تعلق به محیط زیست = $(0,617)$ تجربه ارتباط با

جدول ۴- تحلیل رگرسیون چندگانه متغیر احساس تعلق به محیط زیست

متغیرهای مستقل	b	Beta	t	معناداری
متغیر ثابت	۱۴,۱۹۱		۳,۱۹۳	.۰۰۲
جامعه‌پذیری زیست محیطی	.۱۸۱	.۱۵۴	۳,۶۰۰	.۰۰۰
ارزش‌های زیست محیطی	.۰۳۵	.۰۵۱	۱,۰۵۷	.۲۹۱
تجربه ارتباط با طبیعت	.۶۴۸	.۶۱۷	۱۲,۵۱۶	.۰۰۰
دینداری	.۰۷۱	.۰۷۵	۱,۷۳۵	.۰۸۴
R=0.7 R²= 0.49 Adjusted R²= 0.483 Sig= 0/000 F= 69.58				

بررسی تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم در تحلیل مسیر درباره احساس تعلق نشان‌دهنده این موضوع است که متغیر تجربه ارتباط با طبیعت به عنوان نزدیک‌ترین متغیر به متغیرهای وابسته قرار گرفته است که تأثیر آن بر متغیر وابسته تنها به صورت مستقیم بوده، میزان آن نیز $0,617$ است. همچنین توجه به تاثیر مستقیم ناچیز متغیر ارزش‌های زیست محیطی نیز نشان می‌دهد که این متغیر بیشتر به صورت غیر مستقیم بر احساس تعلق تأثیر گذاشته است بنابراین به صورت

آماري نیز این متغیر بر متغیر تجربه ارتباط با طبیعت (به عنوان رفتار متأثر از ارزش) مقدم است. اثر کل متغیر ارزش‌های زیست محیطی $0,346$ بوده است. در مرحله بعد متغیر جامعه‌پذیری زیست محیطی با اثر کل $0,226$ قرار دارد که بیشترین اثر آن به صورت مستقیم بوده است. در نهایت متغیر دینداری با مقدار اثر کل $0,192$ قرار دارد که بیشترین اثر آن به صورت غیرمستقیم و با اثرگذاری بر متغیرهای مکانیزمی مدل مسیر است.



--- ضریب مسیر در سطح خطای $0,05$ غیر معنادار
 _____ ضریب مسیر در سطح خطای $0,05$ معنادار

شکل ۲- تحلیل مسیر احساس تعلق به محیط زیست

بحث و نتیجه

در سالیان متمادی رابطه انسان با محیط زیست پیرامونش، رابطه‌ای از بالا به پایین و با توجه مطلق به خواسته‌ها و نیازهای بشر بوده است. تحقیقات متعددی نشان می‌دهند که رفتارهای زیست محیطی به شدت تحت تأثیر نگرش‌های افراد در هر دو بعد شناختی و عاطفی هستند. (صفاری‌نیا،

۱۳۸۵: ۱۲؛ طالبی صومعه سرایی، ۱۳۹۲؛ آقایی ایبانه، ۱۳۹۲؛

Eagly & Flam, 2006:34; Kollmuss & Agyeman, 2002; Breckler & Wiggins, 1989; Giner-Chaiken, 1993;

(Sorolla, 1999

عمده ادبیات نظری مرتبط با موضوع، قرابت عاطفی با

طبیعت را که به رفتارهای همسو و همدلانه با طبیعت منجر می‌گردد، در بخش عمده‌ای متأثر از ارزش‌ها و تعاملات انسانی می‌دانند. از همین روی در این تحقیق نیز در گزینش مباحث نظری مرتبط با احساس تعلق نسبت به محیط زیست به رویکرد اثبات‌گرایانه با تأکید بر وجه الزامات فرهنگی و ارزشی و همچنین رویکرد ساخت‌مندی اجتماعی و تأکیدات آن‌ها بر اهمیت فرهنگ توجه شده است (دورکیم، ۱۳۸۳؛ Turner & Stets, 2006; Turner & Stets, 2006). بر این اساس این تحقیق به دنبال بررسی احساسات زیست محیطی و تأثیر متغیرهای اجتماعی این رهیافت نظری بر احساس تعلق نسبت به محیط زیست در بین شهروندان بالای ۱۸ سال شهر تهران بوده است.

اگرچه برخی محققان معتقد بوده‌اند که افرادی که دوران کودکی خود را در روستاها گذرانده‌اند، احساس همدلانه‌تری نسبت به محیط زیست تجربه می‌کنند تا متولدین شهرها (Kals & et al., 1999; Hinds and Sparks, 2007)، با این حال در این بررسی ملاحظه شد که این رابطه معنی‌دار نیست؛ در واقع متولد شدن در محیط روستا لزوماً به معنی ارتباط مستقیم و تجربه مستقیم با محیط طبیعی نیست و حتی اگر باشد نیز صرفاً یکی از عواملی است که نشان‌دهنده تجربه فرد از محیط زیست است، در حالی که متغیر زمینه‌ای تجربه ارتباط با طبیعت خود به نوعی تکمیل‌کننده و نمایان‌گر انتظار

نظری‌ای است که درباره متغیر زمینه‌ای محل تولد معنی‌دار نبوده است. در واقع بررسی متغیر تجربه ارتباط با طبیعت که معنی‌دار نیز بوده است، تصویری کامل‌تر از تجربه فرد با محیط زیست را نشان می‌دهد و بررسی رابطه دو متغیره آن با متغیر وابسته دلالت‌های نظری مهم و البته معتبرتری را در بر داشته است.

در حالی که تحقیقات بسیاری بر اهمیت تأثیر تحصیلات و طبقه اقتصادی-اجتماعی بر بهبود احساسات و در پی آن، رفتارهای زیست محیطی تأکید داشته‌اند (ر.ک. طالبی صومعه سرایی، ۱۳۹۲: ۱۵۶؛ ادهمی و همکار، ۱۳۹۲: ۴۶) اما این روابط در این پژوهش معنی‌دار نبوده است. این موضوع می‌تواند حاکی از توفیق نیافتن نظام‌های آموزشی در درونی‌سازی احساس تعلق در مقاطع گوناگون تحصیلی و نیز بی‌تأثیری مناسبات طبقاتی در باره مسأله تحقیق باشد.

در ارتباط با متغیر وابسته از آن جا که متغیر مربوطه، جنبه اخلاقی دارد، می‌توان استدلال کرد که الگوی پاسخ‌دهی به گویه‌ها می‌تواند یا جنبه شعاری داشته باشد و یا متأثر از اصول رفتاری و عملی پاسخگویان بوده باشد و باتوجه به ویژگی‌های فرهنگی جامعه آماری که بیشتر گرایش به تأیید ظاهری ارزش‌های اخلاقی حتی در صورت توافق نداشتن واقعی با آن دارند، پاسخ‌های داده شده یک دست بوده است و به این ترتیب واحد مشاهده بیشتر تمایل به تأیید احساس تعلق مثبت نسبت به محیط زیست داشته، در حالی که ممکن است در واقعیت به طور دقیق این گونه نبوده باشد.

همچنین همان‌گونه که بررسی روابط بین ابعاد دینداری و متغیرهای وابسته نشان داد، تأثیر دینداری بر احساس تعلق نسبت به محیط زیست بیشتر ناشی از رابطه مجموع ابعاد اخلاقی و شرعی با احساس تعلق بوده است، درحالی که ابعاد عبادی و اعتقادی در مجموع نقش کمتری در افزایش احساس تعلق نسبت به محیط زیست ایفا می‌کنند که از لحاظ منطقی کاملاً قابل درک است. بررسی ماهیت ابعاد دینداری نیز این تفاوت‌های آماری را تأیید می‌کند چراکه بخشی از کارکرد

آرون، ر. (۱۳۷۷) *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه شناسی*، مترجم: باقر پرهام، تهران: علمی فرهنگی. آزاد ارمکی، ت. (۱۳۹۱). *بنیان‌های فکری نظریه جامعه ایرانی*، تهران: نشر علمی.

آزاد ارمکی، ت. (۱۳۷۶). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران: سروش.

آقایی ایبانه، ب. (۱۳۹۲). *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتار خانواده با پسماند*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

بن سن، ج. (۱۳۸۲). *اخلاق زیست محیطی*، ترجمه: محمد مهدی رستمی شاهرودی، تهران: سازمان حفاظت از محیط زیست.

بودون، ر. (۱۳۸۵). *فرهنگ انتقادی جامعه‌شناسی*، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: فرهنگ معاصر.

ترکان، ه. و کجباف، م. (۱۳۸۷). «نگرش چیست؟»، *فصلنامه توسعه علوم رفتاری*، ش ۵۴، ص ۱-۴۹.

تهیایی، ح. (۱۳۷۹). *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*، گناباد: نشر نی نگار.

تومه، ژ. (۱۳۸۰). *توسعه فرهنگی و محیط زیست*، ترجمه: محمد شارع‌پور، تهران: غزال.

حدادی، م. (۱۳۸۹). «اولین اثر مرجع در عرصه دین و محیط زیست»، *ماهنامه اخبار ادیان*، سال هشتم، ش ۱، ص ۲۶-۲۷.

دورکیم، ا. (۱۳۸۳). *صور بنیانی حیات دینی*، ترجمه: باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.

رفیع‌پور، ف. (۱۳۷۵). *جامعه، احساس و موسیقی: کوششی در جهت آغاز یک بررسی جامعه‌شناختی از اثرات سازنده و مخرب موسیقی در ایران*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

ریتزر، ج. (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی.

سلیمی، ع. و داوری، م. (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی کجروی*، قم:

ابعاد اخلاقی و شرعی دین اسلام، توجه به محیط زیست است، در حالی که ابعاد اعتقادی و عبادی بیشتر جنبه متافیزیکی به خود گرفته‌اند و نقش کارکردی کمتری در رابطه با محیط ایفا می‌کنند.

همان‌گونه که ملاحظه گردید، تمامی متغیرهای اصلی تحقیق - ارزش‌های زیست محیطی، تجربه ارتباط با طبیعت، جامعه‌پذیری زیست محیطی و دینداری تأثیر معنی‌داری بر متغیر وابسته داشتند. رگوسیون چندگانه نشان داد که مدل تحقیق، ۴۸٪ از تغییرات متغیر وابسته را تبیین کرده است. تحلیل نتایج این تحقیق نشان‌دهنده این است که متغیرهای عمدتاً فرهنگی در رویکرد اثبات‌گرایی و ساخت‌مندی اجتماعی قادر به تبیین حدود نیمی از تغییرات احساس تعلق در قبال محیط زیست در میان شهروندان تهرانی هستند. میزان تأثیرهای مستقیم و غیر مستقیم استنتاج شده از تحلیل مسیر نیز این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد چرا که تجربه ارتباط با طبیعت با تأثیر مستقیم برابر با ۰٫۶۱۷، ارزش‌های زیست محیطی با تأثیر غیر مستقیم و اثر کل ۰٫۳۴۶، سپس جامعه‌پذیری زیست محیطی با ۰٫۲۲۶ و دینداری با ۰٫۱۹۲ اثر کل به ترتیب، میزان و نحوه تأثیرگذاری متغیرها و روابط مکانیزمی آن‌ها در مدل نظری را بازنمایی می‌کنند.

منابع

ادهمی، ر. و اکبرزاده، ا. (۱۳۹۲). «بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر حفظ محیط زیست شهر تهران»، *مجله تخصصی جامعه‌شناسی*، سال اول، ش ۱، ص ۳۷-۶۲.

ازدري، اف. (۱۳۸۲). «توسعه فرهنگی و محیط زیست»، *فصلنامه علمی سازمان حفاظت از محیط زیست*، سال اول، ش ۳۹، ص ۲۷-۲۹.

اصغری اصفهانی، ل. (۱۳۷۸). *مبانی حفاظت از محیط زیست در اسلام*، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شاه‌ولی، م. (۱۳۷۸). «بستر سازی برای مشارکت در توسعه و حفاظت از منابع طبیعی»، مجموعه مقالات اولین همایش منابع طبیعی، مشارکت و توسعه، تهران: دفتر ترویج و مشارکت مردمی سازمان جنگل ها و مراتع کشور، ص ۴۹-۷۰.
- شجاعی‌زند، ع. (۱۳۸۴). «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، ش ۱، ص ۳۴-۶۶.
- صالحی‌امیری، ر. (۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، تهران: ققنوس.
- صالحی، ص. و امامقلی، ل. (۱۳۹۱). «سرمایه فرهنگی و نگرش و رفتارهای زیست محیطی»، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره هشتم، ش ۲۸، ص ۹۱-۱۲۱.
- صفاری‌نیا، م. (۱۳۸۵). «کتاب‌شناسی: روان‌شناسی تغییر نگرش و رفتار مصرف‌کنندگان انرژی»، اقتصاد و انرژی، ش ۸۹، ص ۲۵.
- طالبی‌صومعه‌سرای، م. (۱۳۹۲). بررسی جامعه‌شناختی مصرف آب خانگی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
- عابدی‌سروستانی، ا.؛ شاه‌ولی، م. و محقق داماد، م. (۱۳۸۶). «ماهیت و دیدگاه‌های اخلاق زیست محیطی با تأکید بر دیدگاه اسلامی»، اخلاق در علوم و فناوری، سال دوم، ش ۱ و ۲، ص ۵۹-۷۲
- عبداللهی، ع. (۱۳۹۰). گزارش طرح تحقیقاتی بررسی عوامل مؤثر بر رفتار زیست محیطی شهروندان تهرانی، اصفهان: مدیریت پژوهشی پیام نور استان اصفهان.
- عزیزآبادی، ز. (۱۳۹۲). فهم چگونگی شکل‌گیری احساسات مذهبی و مناسبات آن با کنش سیاسی دانشجویان (پژوهشی کیفی میان دانشجویان انجمن اسلامی، بسیج اسلامی و نهاد رهبری دانشگاه تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
- قاضی مرادی، ح. (۱۳۸۷). در ستایش شرم: جامعه‌شناسی احساس شرم در ایران، تهران: نشر اختران.
- کاظمی، ج. (۱۳۸۹). «نگاهی به آرای توماس بری، بنیان‌گذار الهیات زیست محیطی: روایت نو از دین، زمین و زندگی»، ماهنامه اخبار ادیان، سال هشتم، ش ۱، ص ۱۹-۲۵.
- کریمی، ی. (۱۳۷۹). نگرش و تغییر نگرش، تهران: نشر ویرایش.
- کلابنتون، س. و مایرز، ج. (۱۳۹۰). روان‌شناسی حفاظت از محیط زیست (درک و ترغیب مراقبت انسان از طبیعت)، ترجمه: صفاری‌نیا و همکاران، تهران: انتشارات ارجمند.
- کوزر، ل. (۱۳۷۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- کیانپور، م. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط بین کیفیت زندگی و احساسات اجتماعی در شهر اصفهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان.
- ربانی خوراسگانی، ع. و کیانپور، م. (۱۳۸۸). «جامعه‌شناسی احساسات»، جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۳۴، ص ۳۵-۶۴.
- محقق داماد، م. (۱۳۸۰). «الهیات محیط زیست»، نامه فرهنگستان علوم، سال ۶، ش ۱۷، ص ۷-۳۰.
- ملکی، ا. و عبداللهی، ع. (۱۳۹۲). «تبیین جامعه‌شناختی محیط‌گرایی ایرانیان در دو سطح خرد و کلان»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره دوم، ش ۲، صص ۹-۳۴.
- میلتون، ک. (۱۳۸۲). طبیعت مهربان به سوی اقلیم عاطفه، ترجمه: محمد هادی رستمی شاهرودی، تهران: سازمان محیط زیست.

- 270www.drs.wisc.edu/.../heberlein / Environmental Attitudes.
- Heberlein, T.A. (2012) *Environmental Attitudes*. Oxford: university press.
- Hinds, J. Sparks, P. (2007) Engaging with the Natural Environment: The Role of Affective Connection and Identity, *Journal of Environmental Psychology*, 28:109° 120.
- Hochschild, A.R. (1983) *the managed Heart: Commercialization of Human Feeling*. Berkely: University of California Press.
- Holden, A. (2003) In Need of New Environmental Ethics for Tourism, *Annals of Tourism Research*, 30(1): 94-108.
- Kaiser, F.G. Wolfing, S. Fuhrer, U. (1999) Environmental Attitude and Ecological Behavior, *Journal of Psychology*, 19: 1-19.
- Kals, E. Schumaker, D. & Montada, L. (1999) Emotional Affinity Toward Nature as a Motivational Basis to Protect Nature, *Environment and Behavior*, 31: 178° 202.
- Kemper, T.D. (1978) *A social interactional theory of emotions*. Wiley interscience publication.
- Kollmuss, A. Agyeman, J. (2002) Mind the Gap: Why People Act Environmentally and What are the Barriers to Pro-Environmental Behavior?, *Journal of Environmental Education Research*, 8(3):450-471.
- lasso De Lavega, E. (2004) *Awareness, Knowledge and Attitude about Environmental Education: Responses from Environmental Specialists, High School Instructors, Students and parents*. PhD Dissertation in the college of education. University of Central Florida, Orlando, Florida.
- Lynn, S.L. Piotr, W. (2010) The Social Psychology of Emotion: A Bridge that is Not Too Far, *Social Psychology Quarterly*, 73: 4.
- Mayer, F.S. McPherson Frantz, C. (2004) The Connectedness to Nature Scale: A Measure of Individuals Feeling in Community with Nature, *Journal of Environmental Psychology*, 24: 503° 515.
- Milfont, T.L. duckit, J. (2004) The Structure of Environmental Attitudes: A First and Second Order Confirmatory Factor Analysis, *Journal of Environmental Psychology*, 24 (3): 289-303.
- Nisbet, E.K. Zelenski, J.M. & Murphy, S.A. (2010) Happiness Is in Our Nature: Exploring Nature Relatedness as A Contributor to Subjective Well-Being, *Journal of Happiness Studies*, 12(2):303-322.
- Pooley, J.A. & O Conner, M. (2000) Environmental Education and Attitudes, *Environment and Behavior*, 32: 711° 723.
- نواح، ع؛ فروتن‌کیا، ش. و پورتر کارونی، م. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین میزان دینداری با ارزش‌ها و رفتارهای زیست محیطی شهروندان (مطالعه موردی: شهر اهواز)»، *فصلنامه علمی- تخصصی مطالعات شهری*، سال اول، ش ۱، ص ۷۷-۹۷.
- Barblet, J.M. (1998) *Emotion, Social Theory, and Social Structure: A Macro-sociological Approach*. England: Cambridge University Press.
- Breckler, S. J. & Wiggins, E.C. (1989) *On defining attitude and attitude theory: Once more with feeling*. In A. R. Pratkanis, S. J. Breckler, & A. G. Greenwald (Eds.), *Attitude structure and function* (pp. 407° 427). New Jersey: Lawrence Erlbaum.
- Budak, D. (2005) Behavior & Attitude of Student Toward Environmental Issues at Faculty of Agricultural, Turkey, *Journal of Applied Sciences*, 1: 1224-1227.
- Chawla, I. (1992) *Childhood place attachment, human behavior and environment: advances in theory and research*. Vol. 12. p. 63-88. Plenum press.
- De Paula G.O. & Cavalcant R.N. (2000) Ethics: Essence for Sustainability, *Journal of Cleaner Production*, 8: 109-117.
- Dunlap, R.E. Van Liere, K.D. (1978) The New Environmental Paradigm: A Proposed Measuring Instrument and Preliminary Results. *Journal of Environmental Education*, 9: 10-19.
- Dunsmore, J. Halberstadt, A. (2008) *The Dynamic Context of Emotion Socialization*. ISCF Summit, Riva San Vitale Switzerland.
- Eagly, A.H. Chaiken, S. (1993) *The Psychology of Attitudes*. Orlando: Harcourt Brace and Company.
- Flam, B.J. (2006) *Environmental Knowledge, Environmental Attitudes, and Vehicle Ownership and Use*. PhD Dissertation in city and regional planning. Berkeley: University of California.
- Giner-Sorolla, R. (1999) *Affect in attitude: Immediate and deliberative perspectives*. In S. Chaiken, & Y. Trope (Eds.), *Dual-process theories in social psychology*. New York: Guilford.
- Grob, A. (1995) A Structural Model of Environmental Attitudes and Behaviour, *Journal of Environmental Psychology*, 15 (3):209-220.
- Heberlein, T.A. Wisconsin, M. (1972) *Environmental Attitudes*. *Abhandlungen, ZfU*. 2. p. 81-247 available at: 1°

- Takács-Svnta, A. (2007) Barriers to Environmental Concern *Human Ecology Review*, 14(1): 26-38.
- Taylor, Sh.E. Peplau, L.A. & Sears, D.O. (2003) *Social Psychology*, Pearson Education, New York.
- Turner, J.H. Stets, J.E. (2006) Sociological Theories of Human Emotions , *Annual Review of Sociology*, 32(1): 25-52.
- Turner, J.H. Stets, K.S. (2005) *The sociology of emotions*. Cambridge: University Press.
- Villalobos Silvas, D. (2013) Measuring and Emotional Connection to Nature among Children , PhD thesis at Department of Human Dimensions of Natural Resources, *Colorado State University*. Fort Collins.
- Von Scheve, C. Von Luede, R. (2005) Emotion and Social Structures: Towards an Interdisciplinary Approach , *Journal for the Theory of Social Behaviour*, 35:3.
- Powel, J.L. (2008) Social Theory and Emotion: Sociological Excursions , *International Journal of Sociology and Social Policy*, 28: 394-407.
- Proshansky, H.M. (1978) The City and Self-Identity , *Environment and behavior*, 10 (2): 146-169.
- Ryan, R. Deci, E.L. (2000) Intrinsic and Extrinsic Motivations: Classic Definitions and New Directions , *Contemporary Educational Psychology*, 25: 54° 67.
- Schultz, P. W. (2002) Inclusion with Nature: The Psychology of Human- Nature Relations , *Psychology of Sustainable Development*, Chapter 4, p 61-78.
- Schultz, P. W. Shriver, C. Tabanico, J.J. Khazian, A. M. (2004) Implicit Connections with Nature , *Journal of Environmental Psychology*, 24(1):31-42.
- Sutton, P. (2007) *The Environment: A Sociological Introduction* .Cambridge: Polity Press.

